



## Documentary Analysis of Exegetes' Evidence in Explaining the Characteristics and the Miraculous Aspect of the She-Camel of Salih

Davod Esmaili<sup>1</sup> | Nafise Sadat Emami Hashemi<sup>2</sup>

1. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Ahl al-Bayt Studies, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: [d.esmaely@theo.ui.ac.ir](mailto:d.esmaely@theo.ui.ac.ir)
2. Corresponding Author, PhD Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Ahl al-Bayt Studies, university of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: [n.emami@ahl.ui.ac.ir](mailto:n.emami@ahl.ui.ac.ir)

### Abstract

Explaining the Quranic stories (qasas al-Qur'an) and demonstrating their epistemological objectives is counted among the principal duties of the Quranic exegetes. Accordingly, a portion of exegetes' reflections on Quranic narratives has been conducted. However, a study of exegetical works reveals that early exegetes sometimes move beyond the apparent meanings (zahir) of the verses concerning stories, and, by relying on narrations or historical reports, endeavor to explain dimensions and layers that are not explicitly presented in the text of the Holy Quran. For example, the Quran, in numerous verses, alludes to the she-camel of Prophet Salih (as) using expressions such as "ayah" (sign), "bayyinah" (clear evidence), and "fitnah" (trial). Nonetheless, it neither explains the details surrounding the emergence of the she-camel nor its characteristics and the rationale for its being considered a miracle, which has given rise to various ambiguities regarding it. Consequently, the exegetes have spoken in a dispersed manner when explaining these features and responding to related questions, and have strayed from focusing on the guiding aspect of this story. This article aims, through a study of exegetical works and reviewing the views presented, to clarify the evidentiary basis of their interpretations, thereby establishing their adherence to interpretive sources and indications. The results indicate that although the exegetes have drawn on Quranic verses, narrations, earlier exegetical works, and historical reports collectively in interpreting the verses related to the she-camel of Salih (as), most of the views expressed lack a solid exegetical foundation.

**Keywords:** Miracle, Prophet Salih, She-Camel of Salih, Thamud tribe.

**Cite this article:** Esmaili, D., & Emami Hashemi, N. S. (2025). Documentary Analysis of Exegetes' Evidence in Explaining the Characteristics and the Miraculous Aspect of the She-Camel of Salih. *Quranic Researches and Tradition*, 58 (1), 193-218. (in Persian)

**Publisher:** University of Tehran Press.

Authors retain the copyright and full publishing rights.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2025.394910.670480>

**Article Type:** Research Paper

**Received:** 8-May-2025

**Received in revised form:** 15-Aug-2025

**Accepted:** 17-Sep-2025

**Published online:** 6-Oct-2025



## تحلیل مستندات مفسران در تبیین ویژگی‌ها و وجه اعجاز ناقله صالح (ع)

داود اسماعیلی<sup>۱</sup> | نفیسه سادات امامی هاشمی<sup>۲</sup>

۱. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل‌البيت (ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: [d.esmaely@theo.ui.ac.ir](mailto:d.esmaely@theo.ui.ac.ir)
۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکترا، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل‌البيت (ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: [n.emami@ahl.ui.ac.ir](mailto:n.emami@ahl.ui.ac.ir)

### چکیده

تبیین قصص قرآن و نشان دادن اهداف معرفتی آن‌ها از وظایف مفسران قرآن به‌شمار می‌آید و از این رو بخشی از تأملات مفسران پیرامون داستان‌های قرآنی انجام شده است. با این حال مطالعه آثار تفسیری حکایت از این دارد که مفسران متقدم گاه از ظواهر آیات قصص فراتر رفته و با تمسک به روایات یا گزارش‌های تاریخی به تبیین ابعاد و لایه‌هایی مطرح نشده در متن قرآن کریم اهتمام دارند. برای نمونه قرآن در آیاتی پرشمار با تعبیری مانند «آیه»، «بینه» و «فتنه» به ناقله حضرت صالح (ع) اشاره نموده است؛ اما جزئیات پدید آمدن ناقله، ویژگی‌ها و چرایی معجزه شمرده شدن آن را بیان نکرده که خود زمینه شکل‌گیری ابهامات گوناگون گردیده است؛ تا جایی که مفسران در تبیین این ویژگی‌ها و پاسخ به پرسش‌های مرتبط، پراکنده سخن گفته و از تمرکز بر جنبه هدایت‌بخشی این داستان دور شده‌اند. این مقاله بر آن است تا با مطالعه آثار تفسیری و بررسی دیدگاه‌های ارائه شده در این باره، مستند تبیین ایشان را روشن نماید تا پای‌بندی ایشان به منابع و قرائن تفسیری مشخص شود. نتیجه حاکی از آن است که هرچند مفسران در تبیین مفاد آیات مربوط به ناقله صالح (ع) مجموعاً از آیات، روایات، آثار تفسیری گذشته یا گزارش‌های تاریخی بهره‌برده‌اند؛ اما در بیشتر موارد دیدگاه‌های مطرح شده، فاقد مستند تفسیری است.

**کلیدواژه‌ها:** اعجاز، حضرت صالح (ع)، ناقله صالح (ع)، قوم ثمود.

**استناد:** اسماعیلی، داود، و امامی هاشمی، نفیسه سادات (۱۴۰۴). تحلیل مستندات مفسران در تبیین ویژگی‌ها و وجه اعجاز ناقله صالح (ع). پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۸ (۱)، ۱۹۳-۲۱۸.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸

بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۲۴

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶

انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

حق چاپ و حقوق نشر برای نویسندگان محفوظ است.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2025.394910.670480>



پژوهشگاه علوم انسانی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

حضرت صالح (علیه السلام)، از پیامبران الهی، به اذن خداوند متعال برای هدایت قوم ثمود مبعوث شد (اعراف: ۷۳، هود: ۶۱). سالیان متمادی، قوم خویش را به سوی توحید، عبادت خدای یکتا و اجتناب از شرک و بت‌پرستی دعوت نمود (هود: ۶۱) با این حال، اکثریت قوم، دعوت وی را تکذیب کرده و پیامبر را مورد توهین و استهزا قرار دادند (اعراف: ۷۶، شعراء: ۱۴۱، قمر: ۲۳). پس از مدتی، تعدادی از ایشان به رسالت آن حضرت ایمان آوردند؛ لیکن طبقه متمکن و سرکش جامعه بر عناد و انکار خویش پای فشاری نموده و درصدد برآمدند تا به گمان باطل خود، عدم صدق ادعای نبوت صالح (ع) را بر همگان آشکار سازند (اعراف: ۷۵). بدین منظور، درخواست معجزه‌ای نمودند تا مصداقی روشن بر تأیید دعوت و تصدیق رسالت وی باشد (شعراء: ۱۵۴، هود: ۶۴). صالح (ع) به اذن خاص پروردگار، ناقه‌ای را به عنوان آیه‌ای الهی و نشانه‌ای قطعی بر حقانیت نبوت خویش ارائه کرد (اعراف: ۷۳، شعراء: ۱۵۵). بی‌تردید، شماری از مردم با مشاهده این پدیده اعجازگونه و تأمل در امتیازات وجودی و ویژگی‌های منحصر به فرد آن، دلایل روشنی بر صدق رسالت آن پیامبر الهی یافتند. قرآن ناقه صالح (ع) را با واژگان کلیدی «آیه» (نشانه الهی)، «بینه» (دلیل روشن) و «فتنه» (آزمایش الهی) توصیف نموده است که همگی گویای عظمت این معجزه و تأثیر ژرف آن بر زندگی قوم ثمود می‌باشد (اعراف: ۷۳، قمر: ۲۷، هود: ۶۴)؛ اما بدیهی است که نه تنها ذکر قصص قرآنی با هدف سرگرمی و جلب نظر مخاطبان نبوده، بلکه چون خداوند با بیان قصص اهداف مقدسی را دنبال نموده تنها به بخش‌هایی از هر قصه که با پیام و هدف مورد نظر ارتباط داشته اکتفا نموده است؛ از این رو هیچ قصه‌ای را به طور کامل نقل نمی‌کند و بر آموزنده بودن آنچه مطرح ساخته تأکید می‌کند «لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ» (یوسف: ۱۱۱)؛ با این حال گاه در تفاسیر قرآن - به‌ویژه تفاسیر متقدم - به ابعاد پنهان و قسمت‌های ناگفته قصص پرداخته شده و مفسران ورود به مبهمات و تبیین جزئیات قصص یا تعیین مصداق عناصر مختلف قصص را بخشی از رسالت تفسیری خویش قرار داده‌اند. در مقابل بیشتر مفسران متأخر با تأکید بر جنبه‌های هدایت‌گری قرآن از ورود به مبهمات قصص اجتناب ورزیده‌اند؛ برای نمونه سید قطب با این استدلال که پرداختن به بخش‌های مبهم داستان در سوره بقره، تأثیری در تربیت اجتماعی - دینی ندارد، از تفسیر بخش‌های مبهم پرهیز نموده (۱۴۲۵: ج ۱: ۵۹، ج ۴: ۲۴۵۷) و شلتوت ابهام هدفمند برخی از واژگان و عبارات را سبک قرآن دانسته و معتقد است اگر مخاطب دلیل قطعی بر مصادیق آن نیافت، باید آن را به خدا واگذار نماید؛ زیرا بهترین روش فهم قصص قرآن، در گرو فهم دلالت‌های واژگانی قرآن است (شلتوت، ۱۳۸۹: ۴۷-۵۳). طباطبایی نیز پرداختن به این موضوعات را مانع دستیابی به مقاصد و اهداف آیات قرآن می‌داند (۱۳۹۰: ج ۱۲: ۵۱). این رویکرد گاه به‌طور خاص در تفسیر آیات داستان قوم ثمود نیز ابراز شده است (ماتریدی، ۱۴۲۶: ج ۶: ۱۵۰، ج ۸: ۷۹؛ فضل الله، ۱۴۳۹: ج ۹: ۲۵۴؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ج ۲۲: ۸۸).

حال با وجودی که در داستان قوم ثمود جزئیات پیدایش ناقه و ویژگی‌هایی مانند خصوصیات فیزیکی، رفتاری و زیستی ناقه، مبهم بوده و در آیات قرآن منعکس نشده است، اما مشاهده می‌شود که بیشتر مفسران قرآن با پرداختن به این ابهامات، سؤالاتی را مطرح یا مفروض دانسته و تلاش نموده‌اند با تبیین این موارد، وجه اعجاز انگیز ناقه صالح را آشکار کنند. با این حال از یک سو بدلیل پراکنده‌گویی مفسران در بیان ویژگی‌های ناقه و از سوی بدلیل مستند نبودن برخی موضوعات مطرح درباره ناقه صالح، بازخوانی سخنان مفسران و تحلیل‌های ایشان از این داستان ضروری است؛ زیرا با جدا شدن ابعاد واقعی و آموزنده از پیرایه‌های افزوده شده به آن، هم می‌توان به هدف قرآن در پرداختن به این ماجرا نزدیک شد و هم مطالب غیرمستند و ضعیف از دامن کلام الهی زدوده می‌شود؛ از این رو این پژوهش بر آن است تا ضمن بررسی آراء مفسران قرآن در تبیین ویژگی‌های ناقه صالح، مشخص نماید که مستندات تفسیری تحلیل‌های ایشان درباره ناقه حضرت صالح چیست و این مستندات تا چه میزان روشمند است؟

## ۱. پیشینه پژوهش

در مورد قوم ثمود و حضرت صالح (ع) پژوهش‌های اندکی انجام گرفته است؛ پایان‌نامه‌هایی از جمله:

پایان‌نامه کارشناسی ارشد «بررسی تطبیقی قوم عاد و ثمود در قرآن، کتاب مقدس و منابع تاریخی» اثر یحیی فاضل (دانشگاه قم، ۱۳۸۹)؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد «بررسی آموزه‌های تربیتی و اخلاقی در قصص قرآنی (حضرت صالح (ع) و حضرت شعیب (ع))» به خامه علی صفا عبدی (دانشگاه پیام نور قم، ۱۴۰۲)؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد «بررسی زبان شناختی رمزگان زبانی داستان حضرت صالح (ع) در قرآن کریم» تألیف معصومه فریبرز (دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی مشهد، ۱۴۰۳). مقالاتی نیز در این باره تدوین شده است؛ از جمله: مقاله «داستان قوم ثمود در قرآن و یافته‌های جغرافیایی معاصر» اثر زینب شجاعی و طاهره سادات طباطبائی امین (مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی، ۱۳۹۶: ش ۳، ۷۵-۹۷)؛ مقاله «بررسی پیامبری حضرت صالح (ع) در قوم ثمود» نگاشته محمود شریفی اقدم، (فصلنامه فرهنگ زیارت، ۱۳۹۷: ش ۳۷، ۵۱-۶۲)؛ مقاله «کارکردشناسی تکرار قصه‌های قرآن با تأکید بر همبستگی آیات سوره‌ها در هدف (مطالعه موردی قصه قوم ثمود)» تألیف علی اسدی (پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۹۸: ش ۳، ۱۰۱-۱۲۶) که همگی با رویکردهای متفاوت به ابعادی از زندگی حضرت صالح (ع) پرداخته‌اند. در این میان رساله دکتری «نقش عناصر زبانی و فرا زبانی در تحلیل قصص قرآن (مورد مطالعه: قصه حضرت صالح (ع))» اثر فاطمه کیانی (دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۸) و مقاله ایشان و همکاران با عنوان «کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان ناقه حضرت صالح (ع) و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی آیات قرآن» (تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س)، ۱۳۹۸: ش ۲، ۱-۲۹) با تمرکز بر ناقه ثمود تلاش نموده، چگونگی

ارتباط مؤلفه‌های تصویری ناقه را در بافت فیزیکی، اجتماعی و ذهنی قوم ثمود تبیین و رهیافت‌های تربیتی این داستان را در بافت موقعیتی عصر نزول روشن کند. با این حال در هیچ یک از پژوهش‌های انجام شده، مستندات مفسران درباره ویژگی‌های ناقه حضرت صالح (ع) و وجه اعجاز آن بررسی نشده و تنها به مناسبت هر پژوهش، کلیاتی در این باره ارائه شده‌است؛ لذا این مطالعه با هدف تحلیل مستندات مفسران درصدد است، ابهامات موجود در این باره را برطرف نماید.

## ۲. ویژگی‌های ناقه صالح (ع) در قرآن

در قرآن کریم، واژه «ناقه» در هفت مورد مشخص به کار رفته‌است که همگی بدون استثناء به ناقه حضرت صالح (ع) اشاره دارد؛ به عبارت دیگر، این لفظ در سراسر قرآن انحصاراً برای معجزه الهی مرتبط با آن پیامبر به کار رفته و هرگز بر شتر دیگری اطلاق نشده‌است. این ناقه به عنوان آیه الهی در میان قوم ثمود مطرح گردیده و ویژگی‌های آن به صورت اجمالی در آیات متعددی تبیین شده‌است. نکته قابل تأمل در این مورد، اضافه شدن این واژه به نام مقدس «الله» در عبارت «ناقة الله» است که صراحتاً بر خلق مستقیم و اراده تکوینی پروردگار در پدید آوردن این معجزه دلالت می‌کند. آیاتی که مشتمل بر واژه «ناقه» و ترکیب «ناقة الله» هستند، به شرح ذیل است:

الف: «ناقه الله»، «بینه» و «آیه»: «... قَدْ جَاءَكُمْ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (اعراف: ۷۳).

ب: پی کردن ناقه: «فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ...» (اعراف: ۷۷).

ج: ناقه الله: «وَيَقُومُ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ» (هود: ۶۴).

د: روشنی و وضوح ناقه: «... وَءَاتَيْنَا ثُمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُزِّلُ بِالآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا» (اسراء: ۵۹).

ه: اختصاص آب به ناقه: «قَالَ هَذِهِ نَاقَةُ لَهَا شَرِبٌ وَلَكُمْ شَرِبٌ يَوْمَ مَعْلُومٍ» (شعراء: ۱۵۵).

و: فتنه: «إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ» (قمر: ۲۷).

ز: ناقه الله، آب دادن به ناقه: «فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيِيهَا» (شمس: ۱۳).

در ادامه و با هدف نشان دادن تفاوت میان گزاره‌های قرآنی و آنچه در تفاسیر مطرح شده، ویژگی‌های ناقه در آیات در مقوله‌های مختلف کد گذاری خواهد شد:

الف) میزان آب خوردن ناقه A: قرآن کریم در آیات متعددی (شعراء: ۱۵۵، شمس: ۱۳، قمر: ۲۸) به معجزه ناقه حضرت صالح (ع) اشاره نموده و صراحتاً بر تخصیص سهم آب معینی AI برای آن تأکید دارد؛ سهمی که قوم ثمود متعهد به رعایت دقیق آن بودند. نکته قابل توجه اینکه در آیه ۱۳ سوره شمس صرفاً به وظیفه قوم صالح در سیراب کردن ناقه اشاره شده و آیه ۱۵۵ سوره شعراء اجمالاً به سهم داشتن شتر از آب اشاره کرده، اما در آیه ۲۸ سوره قمر «وَتَبَّتْهُمْ أَنْ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ

شِرْبٍ مُّحْتَضَرٍ» به تقسیم آب میان آن‌ها تصریح شده است؛ بنابراین مفاد سه آیه می‌توان گفت آب یک روز به شتر و یک روز مشخص به مردم اختصاص داشته است. با این حال، جزئیات محل آب خوردن و مقدار دقیق آبی که این شتر مصرف می‌کرده، در قرآن ذکر نشده است.

ب) صفات ناقة توسط خداوند B: قرآن کریم، ناقة حضرت صالح (ع) را با مجموعه‌ای از اوصاف خاص توصیف نموده که جایگاه بی‌بدیل و اهمیت والای این معجزه الهی را در میان قوم ثمود به وضوح آشکار می‌سازد. این صفات عبارتند از:

۱. بینة B1: (اعراف: ۷۳)؛ به معنای دلیل روشن و نشانه آشکار الهی است که بر حقانیت رسالت حضرت صالح (ع) دلالت دارد.

۲. ناقة الله B2: (اعراف: ۷۳، هود: ۶۴، شمس: ۱۳)؛ این تعبیر، حاکی از انتساب ویژه و تقدس ذاتی این شتر به ذات اقدس الهی می‌باشد.

۳. آیه B3: (اعراف: ۷۳، هود: ۶۴، اسراء: ۵۹)؛ به معنای نشانه‌ای عینی است که تجلی بخش قدرت و اراده ربوبی و مؤید صحت دعوت آن پیامبر الهی است.

۴. مبصره B4: (اسراء: ۵۹)؛ به معنای پدیده‌ای روشنگر و بصیرت‌آفرین است که توجه بدان، موجب بینایی و هدایت است.

۵. فتنه B5: (قمر: ۲۷)؛ به معنای آزمایش و امتحان الهی است که برای سنجش ایمان و میزان اطاعت‌پذیری قوم ثمود مقرر گردید.

مجموعه این اوصاف قرآنی، به روشنی گواه آن است که ناقة صالح (ع)، موجودی عادی نبود؛ بلکه تجسمی از قدرت الهی و ابزاری برای محک ایمان مردمان آن عصر محسوب می‌گردید.

ج) مسئول نگهداری و مواظبت از ناقة C: قرآن کریم در آیات متعددی (اعراف: ۷۳، هود: ۶۴، قمر: ۲۷)، ناقة حضرت صالح (ع) را به‌مثابه نمود عینی قدرت و مشیت الهی معرفی نموده و تصریح می‌کند که این ناقة تحت حمایت بی‌واسطه ذات اقدس الهی C1 قرار داشته است. افزون بر این، تعبیر «فارتقیهم» در آیه ۲۷ سوره قمر، حاکی از این است که حضرت صالح (ع) نیز به دستور الهی وظیفه مراقبت از شتر را به عهده داشته است C2.

د) نحوه کشته شدن ناقة D: آیات ۷۷ اعراف و ۲۹ قمر «فَنَادُوا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ» به واقعه قربانی کردن ناقة D1 به دست قوم ثمود یا فردی از ایشان اشاره دارد که نشان‌دهنده نافرمانی صریح و نقض فرمان قطعی پروردگار بود.

ه) محل چرای ناقة E: آیات ۷۳ سوره اعراف و ۶۴ سوره هود، محل چرای ناقة قوم ثمود را «ارض الله» E1 دانسته است. توصیف محل چرای ناقة به عنوان «ارض الله» بیانی است، از مالکیت الهی بر زمین و همه آنچه در آن است. این توصیف تأکید دارد بر این که زمین و منابع آن به خداوند تعلق دارد. بخشی از آزمون قوم ثمود احترام گذاشتن آن‌ها به حقوق ناقة در استفاده از این چراگاه بود.

در نهایت ویژگی‌های قرآنی ناقه حضرت صالح (ع) چنین است: بینه، ناقه الله، آیه، مورد حمایت مستقیم خداوند، پی شده توسط قوم ثمود، مبصره، صاحب سهم آب مشخص و فتنه؛ البته غیر از این موارد، آیات دیگری همچون: ۷۰ توبه، ۹ ابراهیم، ۴۲ حج، ۳۸ فرقان، ۳۸ عنکبوت، ۱۳ ص، ۳۱ غافر، ۱۳ و ۱۷ فصلت، ۱۲ ق، ۴۳ ذاریات، ۵۱ نجم، ۴ و ۵ حاقه، ۱۸ بروج و ۹ فجر به سرگذشت قوم ثمود اشاره دارد؛ اما از آنجا که در این آیات به ناقه صالح و وجه اعجاز و ویژگی‌های آن پرداخته نشده، از موضوع این پژوهش خارج است.

جدول ۱- ویژگی‌های ناقه در آیات قرآن

آیات	مقوله A	مقوله B	مقوله C	مقوله D	مقوله E
۷۳ اعراف	-	B1/ B2/ B3	C1	-	E1
۷۷ اعراف	-	-	-	D1	-
۶۴ هود	-	B2/ B3	C1	-	E1
۵۹ الإسراء	-	B4/ B3	-	-	-
۱۵۵ شعراء	A1	-	-	-	-
۲۷ قمر	-	B5	C2	-	-
۲۹ قمر	-	-	-	D1	-
۱۳ شمس	A1	B2	-	-	-

بررسی دقیق این آیات نشان می‌دهد که قرآن کریم از یک سو به بیان جزئیات ویژگی‌های ناقه یا تفصیل رخدادهای مرتبط با قوم ثمود پرداخته و از سوی دیگر، وجه اعجاز این نشانه الهی را به صورت صریح تبیین نکرده است؛ هرچند حکمت بیان چنین قصصی در قرآن-از جمله این آیات- عبرت‌آموزی آشکار است. با این حال، واکاوی آراء مفسران در این زمینه حاکی از آن است که ایشان عمدتاً با برشمردن ویژگی‌های خاص برای ناقه، درصدد تبیین وجه اعجاز آن برآمده‌اند.

### ۳. ویژگی‌های ناقه صالح (ع) در کلام مفسران

مفسران قرآن در پاسخ به این سؤال که این ناقه چگونه شتری بوده و چگونه به عنوان یک معجزه به قوم ثمود معرفی شده، دو روش متفاوت به کار برده‌اند؛

**الف:** برخی به طور کلی از ورود به این جزئیات اجتناب می‌کنند و پرداختن به آن را شایسته نمی‌دانند؛ برای نمونه ماتریدی ذیل آیات مختلف مربوط به ناقه صالح با تأکید بر لزوم پرهیز از جزئیاتی که مفسران قرآن مطرح کرده‌اند، یادآور شده که مطالب مربوط به پیدایش ناقه از دل سنگی خاص یا مقدار زیاد شیر ناقه و ... اموری است که نه تنها ما از آن‌ها اطلاع نداریم، بلکه دلیل مطمئنی هم برای

این سخنان وجود ندارد. وی با این رویکرد نتیجه می‌گیرد که اضافه شدن «ناقه» به خداوند «ناقه‌الله لکم آیه» از این جهت است که آن شتر دارای ویژگی خاصی بوده که دیگر شترها نداشته‌اند، اما آن ویژگی برای ما مشخص نیست و این امر بر آسمانی بودن ناقه دلالت دارد؛ چنان‌که توضیحات مفسران در تبیین مصداق «سوء» و «عذاب» در آیه «وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» نیز فاقد اعتبار است. وی در ادامه می‌نویسد کیفیت تقسیم آبی که در آیه «هَذِهِ نَاقَةُ لَهَا شِرْبٌ وَ لَكُمْ شِرْبٌ يَوْمَ مَعْلُومٍ» (شعراء: ۱۵۵) آمده نیز در قرآن تبیین نشده و سخنان مفسران در این باره ارزشی ندارد (ماتریدی، ۱۴۲۶: ج ۶: ۱۵۰، ج ۸: ۷۹). فضل‌الله نیز ضمن اشاره به اینکه جزئیات ناقه صالح و وجه اعجاز آن در قرآن ذکر نشده، بر این باور است که بیشتر جزئیات بازتاب یافته در کتب تفسیری برگرفته از روایات مختلف و پراکنده‌ای است که مضمون برخی آن‌ها به افسانه‌ها شباهت دارد و اعتماد بر آن‌ها جایز نیست. همچنین قرآن به دلیل سودمند نبودن جزئیات داستان به آن‌ها ورود نکرده و در نتیجه پرداختن به آن موجه نیست؛ زیرا خداوند اهداف تربیتی خود را بر ذکر اجمالی داستان مترتب نموده است (۱۴۳۹: ج ۹: ۲۵۴). صادقی تهرانی نیز علی‌رغم ذکر دیدگاه برخی مفسران درباره ناقه صالح، اما به‌طور کلی معتقد است که ورود به کیفیت و چگونگی پیدایش ناقه شایسته نیست و تنها می‌توان گفت که در آیات قرآن، ناقه صالح، تقسیم آب میان قوم صالح و شتر و نیز جوشش آب، هر سه نشانه‌های الهی به شمار آمده‌اند (۱۴۰۶: ج ۲۲: ۸۸).

**ب:** در مقابل برخی دیگر از مفسران با استناد به روایات<sup>۱</sup>، گزارش‌ها و منابع تاریخی و بهره‌گیری از آثار تفسیری گذشته به تحلیل وجه اعجاز ناقه صالح پرداخته‌اند. هرچند برخی بدون هیچ‌گونه استدلالی در این باره اظهار نظر کرده‌اند. در ادامه با تمرکز بر نحوه استناد مفسران در اثبات ویژگی‌های ناقه حضرت صالح (ع) و بررسی دقیق این آراء، دیدگاه‌های مفسران قرآن طبقه‌بندی و کدگذاری خواهد شد<sup>۲</sup>:

### ۳-۱- آراء مفسران درباره محل A و کیفیت پدید آمدن ناقه B

#### ۳-۱-۱. محل پدید آمدن ناقه

در باب خاستگاه ناقه حضرت صالح (ع)، دو دیدگاه کلی در منابع تفسیری مطرح گردیده است:

<sup>۱</sup> روایاتی که در متون تفسیری ذیل بخش‌های مختلف به آن‌ها استناد شده همگی ضعیف هستند؛ با این توضیح که بیشتر این روایات مقطوع‌اند و چنان‌که در ادامه ذکر می‌گردد به برخی صحابه و تابعان می‌رسد و برخی روایات نیز که در منابعی مانند کافی به صورت مسند ذکر شده بدلیل ضعیف بودن روایان نمی‌توان به آنها اعتماد کرد. جهت تبیین بهتر این موارد روایات کافی به اختصار در پاورقی بررسی می‌گردد.

<sup>۲</sup> در این پژوهش تا حد ممکن تفاسیر قرآن بررسی و دیدگاه‌های متنوع استخراج گردیده است؛ ولی جهت رعایت حجم مطالب صرفاً دیدگاه مفسرانی که به جزئیات داستان ورود کرده‌اند مطرح گردیده و در این موارد نیز اگر بیش از یک مفسر دیدگاهی را ابراز کرده‌اند، به چند مورد محدود اشاره شده است؛ بنابراین ذکر نشدن برخی تفاسیر به معنای بررسی شدن دیدگاه برخی مفسران یا بررسی تفاسیری محدود نیست.

الف: دل کوه A1: برخی از مفسران، با استناد به روایاتی همچون روایت ابی بصیر در کتاب «کافی»، پدید آمدن ناقه از دل صخره کوه را امری معجزه‌آسا دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۸: ۱۸۱). البته این روایت از نظر سندی ضعیف است؛ ولی مفسران به ضعف سندی روایت اشاره نکرده‌اند.<sup>۳</sup> برخی دیگر نیز، بی‌آنکه مستند خاصی ارائه نمایند، همین دیدگاه را ابراز داشته‌اند (کریمی، ۱۴۰۲: ج ۳: ۳۱۷).

ب: دل سنگ A2: دسته‌ای از مفسران از جمله طبرسی، با تمسک به روایات منقول از سدی و ابن اسحاق و نیز استشهاد به آرای تاریخ‌نگاران و اهل تفسیر، معتقدند ناقه از درون سنگی عظیم متولد شده است (طیب، ۱۳۶۹: ج ۵: ۳۶۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵: ۲۶۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ج ۳: ۳۵۰). در ذیل این قول، تفصیلاتی ارائه گردیده: برخی مفسران، با اشاره به روایاتی خاص، آن سنگ را از نوع سخت توصیف کرده و برای تأیید مدعای خویش، به روایتی از ابن عباس مبنی بر خروج ناقه از صخره‌ای سخت در منطقه «حجر» - که به «الکاتبه» موسوم بوده - استناد جسته‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۷: ۲۳۸). عده‌ای دیگر، سنگ مذکور را صاف و نرم فرض نموده‌اند (طوسی، بی‌تا: ج ۶: ۱۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ج ۸: ۲۶۷). شمار دیگری نیز، بی‌آنکه استدلال مشخصی اقامه کنند، صرفاً به همین باور (خروج از سنگ) گراییده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۱: ۴۴۷).

### ۳-۱-۲. کیفیت پدید آمدن ناقه

در خصوص کیفیت خلقت ناقه حضرت صالح (ع)، دو رویکرد تفسیری متمایز عرضه گردیده است: الف: پیدایش از دل سنگ (از هیچ رحمی به وجود نیامده) B1: گروهی از مفسران - همچون حوی و طیب - بی‌آنکه به ارائه استدلالی خاص مبادرت ورزند، منکر تولد ناقه از طریق رحم شتر ماده شده‌اند (طیب، ۱۳۶۹: ج ۱۴: ۱۳۳؛ حوی، ۱۴۲۴: ج ۴: ۱۹۴۰)؛ اما طبرسی و ابن عطیه با تمسک به روایات، به این ویژگی ناقه تأکید نموده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۱: ۴۴۷؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ج ۲: ۴۲۰). در همین راستا، فخر رازی با استناد به آراء تفسیری پیشینیان، این دیدگاه را تقویت کرده است (۱۴۲۰: ج ۱۴: ۳۰۶).

ب: نامتعارف بودن پیدایش B2: برخی از مفسران از جمله ابوالفتوح رازی برای اثبات خارق‌العاده بودن مبدأ پیدایش ناقه، بی‌آنکه جزئیاتی درباره فرآیند خلقت آن بیان نمایند، صرفاً به غیرمتعارف بودن نحوه وجودی آن اشاره کرده‌اند. این دسته برای پشتیبانی از مدعای خویش، به روایات منقول از ابن

<sup>۳</sup> سند روایت چنین است: «عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَفْصَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: ...»؛ در میان این راویان شخصیت‌های غیر قابل اعتمادی وجود دارد که مانع استناد به آن می‌شود؛ زیرا رجالیان «علی بن العباس [الجرادینی / الرازی]» را تضعیف نموده و متهم به غلو می‌دانند (نجاشی، ۱۳۶۵: ج ۱: ۲۵۵؛ ابن غضائری، ۱۳۸۰: ج ۱: ۷۹؛ حلی، ۱۳۸۹: ج ۱: ۲۳۴). همچنین «حسین بن عبدالرحمن [الحمانی]» مهمل است و رجالیان وی را معرفی نکرده‌اند. «علی بن ابی حمزه بطائنی» نیز از بزرگان واقفیه به شمار می‌رود (کشی، ۱۴۰۴: ج ۲: ۷۰۶ و ۷۴۲ و ۷۴۳؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ج ۱: ۲۴۹؛ طوسی، ۱۴۲۷: ۳۳۹).

اسحاق، سدی، وهب و کعبُ الأحبار توجه نموده‌اند (۱۴۰۸: ج ۸: ۲۶۷). گاهی برخی نیز بدون ذکر دلیل صریح یا با اتکاء به نظریات مفسران پیشین، همین ویژگی را گزارش کرده‌اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۱۱: ۲۹۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ج ۳: ۳۵۱).

### ۲-۳. آراء مفسران درباره حامل بودن ناقه C و مشخصات جسمی بچه شتر D و ناقه E

برخی مفسران در بررسی ناقه حضرت صالح (ع)، تنها به دو ویژگی حمل و دوماهگی آن به عنوان محور برجسته این روایت تأکید ورزیده‌اند. عده‌ای دیگر به کیفیت وقوع باروری پرداخته‌اند و گروهی نیز بر تعیین دقیق دوران حمل تأکید ورزیده‌اند. این دیدگاه‌ها در ادامه بیان خواهد شد:

الف: حامل بودن ناقه C1: مفسران در بیان وضعیت بارداری ناقه صالح (ع) رویکردهای متفاوتی داشته‌اند:

۱. گروهی همچون طبرسی و طوسی بدون ارائه استدلال، صرفاً به بارداری بودن آن اعتقاد دارند (طوسی، بی تا: ج ۶: ۱۸، ج ۸: ۵۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵: ۲۶۵). ۲. فخر رازی و برخی دیگر با استناد به روایات معتبر تصریح می‌کنند که ناقه هنگام خروج از صخره، بارداری بوده است<sup>۴</sup> (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۰: ۳۱۵-۳۱۷؛ قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ج ۳: ۴۵۲-۴۵۳؛ جعفری، ۱۳۷۶: ج ۵: ۲۶۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۸: ۳۶۹). ۳. ابوحنبلان نیز با پیروی از آرای تفاسیر پیشین، این ویژگی (بارداری) را برای ناقه ذکر کرده‌است (۱۴۱۳: ج ۵: ۹۳-۹۵).

ب: ده ماهه بارداری بودن ناقه C2: درباره وضعیت بارداری ناقه صالح (ع)، آرای مفسران را می‌توان در سه رویکرد متمایز دسته‌بندی نمود: ۱. برخی مفسران مانند طبرسی، بدون ارائه استدلال خاصی، صرفاً آن را شتری بارداری و ده‌ماهه اعلام کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۱: ۴۴۷؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ج ۲: ۴۲۰). ۲. گروهی دیگر همچون زمخشری با استناد به روایات منسوب به ابن عباس، استنباط نموده‌اند که ناقه هنگام خروج از صخره (یا دل سنگ)، دوماهه بارداری بوده‌است (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۳: ۱۳۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۲: ۱۲۰-۱۲۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۳: ۲۱؛ حوی، ۱۴۲۴: ج ۷: ۳۹۴). ۳. دسته سوم، همچون مغنیه، با استناد به عقیده گروهی از مفسران، این ویژگی را برای ناقه در نظر گرفته‌اند (۱۴۲۴: ج ۳: ۳۵۰). البته طیب صرفاً به لازمه خروج ناقه بارداری از صخره توجه نموده و می‌نویسد، بارداری ناقه صالح بدون تماس با شتر نر C3 بوده‌است (۱۳۶۹: ج ۱۴: ۱۳۳).

ج: به دنیا آوردن بچه بدون گذشت مدت حمل و به صورت غیر تدریجی C4: استناد به بارداری ناقه صالح (ع) در روایات محمد بن اسحاق، سدی، وهب و کعب الأحبار مطرح شده و در سخنان مفسرانی مانند ابوالفتوح رازی منعکس شده‌است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ج ۸: ۲۷۱-۲۷۴؛ طیب، ۱۳۶۹: ج ۷: ۸۱، ج ۱۰: ۷۵). طبرسی و گروه دیگری از مفسران با استناد به گزارش‌های تاریخی

<sup>۴</sup> در بیشتر متون تفسیری این روایت بدون سند و با تعابیر «بروی آن قومه...» ذکر شده و برخی مفسران مانند طباطبائی به روایت کافی که در صفحه قبل به ضعف سند آن اشاره شد، استناد نموده‌اند.

تأکید دارند که این ناقه در مدت کوتاهی کره شتری بدنیا آورده‌است (طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۴: ۶۸۰-۶۸۱؛ قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ج ۳: ۴۵۲-۴۵۳). ناگفته نماند تنها طبرسی به توصیف جسمی بچه شتر پرداخته و بزرگی جنه D1 را تنها ویژگی آن برشمرده‌است (۱۴۱۲: ج ۱: ۴۴۷).

این در حالی است که تمرکز غالب مفسران بر ویژگی‌های جسمانی خود ناقه است؛ ویژگی‌های جسمانی ذکر شده برای ناقه عبارت‌اند از:

۱- عظیم الجثه بودن ناقه E1: اولین ویژگی جسمانی ناقه حضرت صالح (ع) که در بسیاری از تفاسیر بدان اشاره و حتی به عنوان یکی از وجوه اعجاز آن دانسته شده، «عظیم الجثه» بودن آن است. برخی در این باره هیچ استدلالی ننموده‌اند (طوسی، بی‌تا: ج ۸: ۵۱). برخی با استناد به روایاتی از محمد بن اسحاق، سدی، وهب، کعب الأحبار و روایتی از ابن کثیر، ناقه را «عظیم الجثه» دانسته‌اند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ج ۸: ۲۷۱-۲۷۴؛ حوی، ۱۴۲۴: ج ۱۰: ۵۶۱۱)؛ اما هر یک از این مفسران، ویژگی بزرگ بودن ناقه را متفاوت توصیف نموده‌اند که عبارت‌اند از:

الف) بزرگی ناقه به اندازه‌ای که چهارپایان قوم از آن فرار می‌کردند E2: برخی مفسران، بدون ذکر استدلالی ویژه، بر عظمت کم‌نظیر ناقه‌ی ثمود تأکید کرده‌اند؛ به گونه‌ای که چهارپایان قوم، همواره از بزرگی هیکل او می‌گریختند. این گریز مداوم حیوانات، از جمله عوامل اصلی تحریک قوم ثمود برای قتل ناقه برشمرده شده‌است (طیب، ۱۳۶۹: ج ۵: ۳۶۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۳: ۳۹۵).

ب) بزرگی ناقه به اندازه‌ای که جزء خدا کسی فاصله میان دو پهلویش را نمی‌دانست E3: زمخشری، بدون ارائه استدلالی خاص، به این ویژگی ناقه اشاره کرده که فاصله میان دو پهلو او، چنان گسترده بود که جز خداوند، احدی از آن آگاهی نداشت (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۲: ۱۲۰-۱۲۱؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۱: ۴۴۷). البته ابوحنبل اندلسی، این وصف را مستفاد از روایات دانسته‌است (۱۴۱۳: ج ۵: ۹۳-۹۵).

ج) بزرگی ناقه به حدی که شیر آن برای تمام قوم کفایت می‌کرد E4: گاه مفسران، با استناد به روایات یادآور شده‌اند که ناقه‌ی ثمود، آن‌چنان عظیم‌الجثه بود که شیر فراوان او، برای سیراب کردن تمامی افراد قوم کفایت می‌کرد و همگان از این نعمت بهره‌مند می‌گشتند (طیب، ۱۳۶۹: ج ۷: ۸۱، ج ۱۰: ۷۵).

۲- خلق بدون عیب ناقه E5: مغنیه بر اساس نظر گروهی از مفسران، یکی از ویژگی‌های برجسته ناقه‌ی ثمود را آفرینش بی‌عیب و نقص آن دانسته‌است (۱۴۲۴: ج ۳: ۳۵۰).

۳- کرک‌دار بودن ناقه E6: گاه بدون استدلال خاص، کرک‌دار بودن ناقه به عنوان ویژگی ممتاز آن تبیین شده‌است (طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۱: ۴۴۷).

۴- زیبایی ناقه E7: بر اساس برخی گزارش‌های تاریخی، قوم ثمود درخواست نمودند شتری زیبا از درون سنگ پدید آید. این خواسته تحقق یافت و ناقه‌ای عظیم‌الجثه و باشکوه که در نوع خود یگانه بود، از صخره خارج شد (همان، ۱۳۷۲: ج ۴: ۶۸۰-۶۸۱).

۵. قرمز بودن ناقه E8: بعضی از مفسران با استناد به روایات، ناقه قوم ثمود را سرخ رنگ توصیف کرده‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۳؛ ۱۳۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹: ۲۸۹-۲۹۱).

### ۳-۳. آراء مفسران درباره محل F، زمان G، میزان آب خوردن H و شیر دادن ناقه I

مفسران در خصوص مکان، زمان و میزان آب خوردن و شیردادن ناقه ثمود اختلاف نظر دارند. در باب مکان آب خوردن ناقه و بچه آن، دو دیدگاه اصلی مطرح شده است:

الف: شهر F1: صادقی تهرانی با استناد به تفاسیر گذشته بر این باور است که ناقه یک روز در میان، تمام آب شهر را مصرف می‌نموده است (۱۴۰۶: ج ۱۱: ۲۰۲؛ فرائی، ۱۳۸۸: ج ۳: ۹۹).  
ب: قریه F2: قرشی بنایی با استناد به آیات ۱۵۵ شعراء و ۲۷ قمر، محل آب خوردن ناقه را قریه دانسته است (۱۴۲۴: ج ۳: ۴۴۹-۴۴۸).

مطالعه تفاسیر نشان می‌دهد مفسران در تعیین منبع آب (نهر، چشمه، چاه و ...) نیز اختلاف دارند:

نهر F3: برخی مفسران - بدون ذکر استدلال ویژه - منبع آب ناقه را نهر دانسته‌اند (طیب، ۱۳۶۹: ج ۵: ۳۶۶).

چشمه F4: اکثر مفسران با استناد به آیاتی چون اعراف: ۷۲، هود: ۶۴ و شعراء: ۱۵۶، منبع آب مصرفی ناقه را چشمه محل سکونت قوم ثمود می‌دانند. در این باره برخی از جمله علامه طباطبائی به آیات ۷۲ سوره اعراف، ۶۴ سوره هود و ۱۵۶ سوره شعراء استناد نموده‌اند (۱۳۹۰: ج ۱۰: ۳۱۷-۳۱۸). برخی مانند طبرسی و طیب با تمسک به روایات (از جمله روایتی مرسل از امام علی (ع) که در آن نخستین چشمه جوشیده از سنگ را متعلق به قوم صالح (ع) معرفی می‌کند<sup>۵</sup>) (طیب، ۱۳۶۹: ج ۱۰: ۷۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷: ۳۱۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۰: ۱۱۲) یا روایاتی که در آن به تقسیم آب چشمه میان قوم ثمود و ناقه اشاره شده، استناد کرده‌اند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ج ۸: ۲۷۱-۲۷۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹: ۲۸۹-۲۹۱). مکارم شیرازی پس از اشاره به احتمالات مختلف از اظهار نظر در این باره خودداری نموده است (۱۳۷۱: ج ۹: ۱۵۶؛ قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ج ۳: ۴۵۱-۴۵۲).

چاه F5: برخی مفسران از جمله آلوسی با استناد به روایاتی مانند روایت ابن اسحاق و ... بر این عقیده‌اند که آب مصرفی ناقه مذکور، آب چاخ بوده است؛ بدین ترتیب که ناقه سر خود را در چاه حجر فرو می‌برد و تا تخلیه کامل آب، سر بر نمی‌داشت (۱۴۱۵: ج ۴: ۴۰۵-۴۰۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۳: ۲۱).

<sup>۵</sup> این روایت در برخی متون تفسیری شیعه و اهل سنت دیده می‌شود ولی نکته قابل توجه، مرسل بودن این روایت است؛ زیرا در همه منابع با تعبیر «عن امیر المؤمنین»، «روی عن امیر المؤمنین» و مانند این‌ها نقل شده است. در ضمن چنان که از تعبیر مفسران به دست می‌آید، عمده مفسران این روایت را از تفسیر مجمع البیان نقل نموده‌اند؛ بنابراین این روایت نیز بدلیل فقدان سند قابل استناد نخواهد بود.

دره F6: قرطبی بدون ارائه استدلال، صرفاً اشاره کرده که ناقه در یک روز همه آب وادی را می‌نوشید (۱۳۶۴: ج ۷: ۲۳۸). شیخ طوسی و طبرسی با استناد به روایات، آب دره (وادی) را منبع آب مصرفی دانسته‌اند (طوسی، بی‌تا: ج ۴: ۴۴۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴: ۶۸۰-۶۸۱). درباره زمان آب خوردن ناقه و فصیل آن نیز دو دیدگاه کلی وجود دارد:

۱. یک روز در میان G1: فخر رازی و برخی دیگر از مفسران با استناد به روایات، زمان آب خوردن ناقه را یک روز در میان ذکر کرده‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۰: ۳۱۵-۳۱۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۴: ۳۰۴-۳۰۵؛ حوی، ۱۴۲۴: ج ۴: ۱۹۴۲-۱۹۴۳). برخی نیز همچون قرشی این امر را با مستندات تاریخی منطبق می‌دانند (۱۴۱۲: ج ۳: ۴۵۳-۴۵۲).

۲. روز مشخصی برای ناقه و روز معلومی برای مردم G2: مفسران قائل به این دیدگاه در تبیین چگونگی تقسیم روزها به دو شیوه استدلال نموده‌اند: برخی از مفسران مانند قرطبی و طیب بدون استناد خاصی این موضوع را ذکر کرده‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۷: ۲۳۸؛ طیب، ۱۳۶۹: ج ۵: ۳۶۶). هرچند این دیدگاه ایشان با ظاهر آیه ۱۵۵ شعراء «لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبٌ يَوْمَ مَعْلُومٍ» سازگار است و به احتمال زیاد توجه به این آیه در بیان دیدگاه ایشان مؤثر بوده است؛ اما شیخ طوسی و برخی دیگر با استناد به روایاتی از ابی طفیل، سدی، ابن اسحاق این دیدگاه را پذیرفته‌اند (طوسی، بی‌تا: ج ۴: ۴۴۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ج ۸: ۲۶۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴: ۶۸۰-۶۸۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۴: ۴۰۵-۴۰۴).

یادآور می‌گردد که علی‌رغم اختلاف مفسران درباره میزان آبی H که ناقه صالح از آن استفاده می‌کرد (آب شهر H1، روستا H2، چشمه H3، نهر H4، چاه H5، دره H6)؛ بسیاری از مفسران از جمله شیخ طوسی و طبرسی با استناد به روایات و گاه بدون ارائه مستندی خاص بر این باورند که ناقه صالح همه آب موجود در چاه یا نهر یا ... را مصرف می‌کرده است (طوسی، بی‌تا: ج ۴: ۴۴۹؛ طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۰: ۳۱۷-۳۱۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۷: ۲۳۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ج ۸: ۲۶۷؛ طیب، ۱۳۶۹: ج ۵: ۳۶۶؛ ج ۱۰: ۷۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴: ۶۸۰؛ ج ۵: ۲۶۵؛ ج ۴: ۸۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۴: ۴۰۵-۴۰۴). ایشان برای توجیه اینکه در زمان اختصاص آب به ناقه، قوم صالح نیاز خود را چگونه برطرف می‌کرده‌اند، با استناد به روایات و سخنان صحابه «شیر دادن در عوض میزان آبی که می‌نوشیده II» یا «شیر دادن در روز مشخص و به اندازه کفایت I2» را مطرح نموده‌اند (طوسی، بی‌تا: ج ۴: ۴۴۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۷: ۲۳۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ج ۸: ۲۶۷-۲۶۸؛ طیب، ۱۳۶۹: ج ۵: ۳۶۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴: ۶۷۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۴: ۴۰۵-۴۰۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۳: ۲۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۴: ۳۰۴-۳۰۵؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ج ۲: ۴۲۰؛ فضل‌الله، ۱۴۳۹: ج ۱۳: ۳۵۲).

**۳-۴. آراء مفسران درباره محل چرا J و مسئول نگهداری و مواظبت از ناقة K**

علامه طباطبائی بر اساس ظاهر آیات قرآن، «ارض الله» J1 را محل چرای ناقة حضرت صالح (ع) می‌دانند (۱۳۹۰: ج ۸: ۱۸۱، ج ۱۰: ۳۱۷) ولی ابوالفتوح با استناد به روایتی از ابوموسی اشعری معتقد است، ناقة صالح بر اساس نظام فصلی خاصی چرا می‌کرد؛ در فصل تابستان پشت وادی و در فصل زمستان در وادی (۱۴۰۸: ج ۸: ۲۷۱-۲۷۴). البته گذشت که خداوند با اشاره به محل چرای ناقة «فَدَّرُوهَا تَأْكُلُ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (اعراف: ۷۳) درصدد بود به قوم نمود خاطر نشان کند که ناقة، تحت حمایت مستقیم خداوند است، چنانکه با مخاطب قراردادن صالح (ع) «إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَبِعْهُمْ وَأَصْطَبِرْ» (قمر: ۲۷) ایشان را به نظارت بر رفتار قومش مأمور ساخت، ولی بیشتر مفسران به این مطلب نپرداخته‌اند و در این میان ابوالفتوح رازی و فخر رازی یادآور شده‌اند که مردم هیچ مسئولیتی در قبال آن ندارند K1 و به دیگر سخن مالک اصلی ناقة خداوند متعال و سرپرست آن حضرت صالح (ع) است (همان: ۲۶۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۴: ۳۰۶).

**۳-۵. آراء مفسران درباره حکمت وجود ناقة L و دلیل نام‌گذاری به ناقة الله M**

مفسران در تبیین فلسفه وجود ناقة نمود، سه محور اصلی را برشمرده‌اند که عموماً به یک یا چند مورد از آن‌ها اشاره شده‌است:

الف: آزمایش قوم نمود: L1 از نظر فخر رازی در آیات قرآن کریم مانند آیه ۲۷ سوره قمر «إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً» بر فتنه بودن ناقة تصریح شده‌است (جعفری، ۱۳۷۶: ج ۴، ۱۳۵-۱۳۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۹: ۳۰۹).

ب: دلیل نبوت و آیت خدا L2: مغنیه و علامه طباطبائی ناقة صالح را آیه و نشانه نبوت صالح (ع) دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۰: ۳۱۷؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ج ۳: ۳۵۰-۳۵۱؛ حوی، ۱۴۲۴: ج ۷: ۳۹۴۱). ظاهراً افزون بر شواهد قرآنی مانند آیات ۷۳ سوره اعراف و ۶۴ سوره هود و ۵۹ سوره اسراء که ناقة را آیه معرفی نموده، با این پیش‌فرض که ناقة معجزه حضرت صالح (ع) بوده، چنین برداشتی ارائه شده‌است. ج: هدایت مردم و ترساندن آن‌ها از عاقبت کفر و بی‌ایمانی: L3 براساس این دیدگاه، هدف غایی ناقة (همانند سایر معجزات انبیا) هدایتگری و انذار نسبت به عواقب کفر بوده‌است. بدین معنا که وجود ناقة هشدار عینی درباره پیامدهای بی‌ایمانی به شمار می‌رفته‌است (جعفری، ۱۳۷۶: ج ۶: ۳۱۹-۳۲۰).

مفسران در تبیین علت انتساب ناقة حضرت صالح (ع) به «ناقه الله»، پنج دیدگاه عمده ارائه نموده‌اند:

- ۱- داشتن ویژگی‌های عجیب M1: مکارم شیرازی نوع اضافه در تعبیر «ناقه الله» را اضافه تشریفی و اشاره به ویژگی‌های خاص و غیر عادی ناقة صالح دانسته‌است (۱۳۷۱: ج ۹: ۱۵۶).
- ۲- پیدایش غیر طبیعی M2: ابوالفتوح رازی و گروهی از مفسران، دلیل نام‌گذاری ناقة به «ناقه الله» را پیدایش غیر طبیعی آن از سنگ دانسته‌اند. بر این اساس بعضی از آن‌ها بدون استدلال خاصی

سعی به اثبات این مسئله دارند (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۸: ۱۸۱؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ج ۸: ۲۶۷؛ طیب، ۱۳۶۹: ج ۷: ۸۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۴: ۳۰۶؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۱۱: ۲۹۱؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۴: ۲۵۱؛ حوی، ۱۴۲۴: ج ۴: ۱۹۴۰). قرطبی با تمسک به روایات این دیدگاه را تأیید می‌کند (۱۳۶۴: ج ۹: ۶۰) و طبرسی با استناد به روایات سُدی و ابن اسحاق، این نام‌گذاری را ناشی از آفرینش بی‌واسطه الهی می‌داند (۱۳۷۲: ج ۴: ۶۷۸).

۳. مقام والای ناقه: M3 برخی مفسران از جمله مغنیه بر این باورند که خدا به سبب ارتقای مقام ناقه، آن را به خود نسبت داده است (۱۴۲۴: ج ۳: ۳۵۰-۳۵۱)؛ ولی طبرسی و بسیاری دیگر، بدون دلیل خاصی این نوع اضافه را اضافه تشریفی می‌دانند؛ مانند «بیت الله» یا «کتاب الله» که به جهت تشریف است که برای شدت اتصال و ارتباط با خدا این نوع اضافه به کار می‌رود (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۰: ۳۱۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۷: ۲۳۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۲: ۱۲۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۶: ۲۳۶-۲۳۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵: ۲۶۵؛ اندلسی، ۱۴۱۳: ج ۵: ۹۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۳: ۲۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۴: ۳۰۶؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۸: ۱۶۸، ج ۱۱: ۲۹۱).

۴. تخصیص ناقه به خدا: M4 طبرسی و برخی دیگر، نوع اضافه را تخصیصی و دلیل نام‌گذاری ناقه به «ناقه الله» را نشان دادن مالک واقعی آن یعنی خداوند می‌دانند (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۷: ۲۳۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ج ۸: ۲۶۷؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۱: ۴۴۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۴: ۳۰۶). صادقی تهرانی بر خلاف ادعان به عدم جواز ورود به جزئیات و ضرورت اکتفا به دلالت ظواهر قرآنی (۱۴۰۶: ج ۲۲: ۸۸)؛ اما در توضیح تعبیر «ناقه الله»، با تمسک به بعد اعجاز آمیز ناقه، این ترکیب را در حقیقت نوعی نسبت دادن نشانه‌ای الهی به خداوند دانسته و چنین استدلال می‌کند که اولاً خداوند آن شتر را از دل کوه بیرون آورد و نشانه خود قرار داد و ثانیاً آن شتر از نظر جسمی بزرگ بود و همه آب روستا را در یک روز مصرف می‌کرد. همچنین همواره و تا زمانی که به آن شتر آسیبی نمی‌رساندند، در میان آن‌ها حضور داشت و آن را مشاهده می‌کردند (همان: ج ۱۱: ۲۰۲؛ قریب به این مضمون فضل‌الله، ۱۴۳۹: ج ۹: ۲۵۴).

۵. حجت بودن ناقه بر قوم ثمود M5: ابوالفتوح رازی بدون استدلال خاصی بر این عقیده است که نام‌گذاری ناقه به این نام به این دلیل است که صدق قول صالح (ع) و صحت دین خدا مشخص گردد (۱۴۰۸: ج ۸: ۲۶۷). فخر رازی نیز علت اضافه شدن «ناقه» به «الله» را از این جهت می‌داند که ناقه حجت خدا بر قوم ثمود بوده است (۱۴۲۰: ج ۱۴: ۳۰۶).

### ۳-۶. آراء مفسران درباره کشته شدن ناقه N

مفسران در تعیین علت اصلی کشتن ناقه حضرت صالح (ع) اتفاق نظر ندارند. مهم‌ترین دیدگاه‌های مطرح شده در این زمینه عبارتند از:

الف: ترسناک بودن و بزرگی ناقة: N1 ابن کثیر و طیب معتقدند، هیبت و بزرگی غیرعادی ناقة، موجب وحشت احشام و چهارپایان قوم ثمود گردید؛ از این رو، کافران قصد قتل ناقة را کردند (طیب، ۱۳۶۹: ج ۵: ۳۶۶-۳۶۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۳: ۳۹۵). این دیدگاه با استناد به روایات صحابه، مورد تأیید برخی دیگر از مفسران همچون ابوالفتوح رازی نیز قرار گرفته است (۱۴۰۸: ج ۸: ۲۷۱-۲۷۴).  
ب: دشمنی اشراف قوم ثمود با حضرت صالح (ع) N2: جعفری دشمنی سران قوم ثمود با حضرت صالح (ع) را عامل اصلی کشتن ناقة برشمرده است (جعفری، ۱۳۷۶: ج ۴: ۱۳۸).

ج: سهم‌بندی کردن آب قوم ثمود: N3 علامه طباطبائی، تقسیم آب بین ناقة و مردم را نیز دلیل کشته شدن ناقة به شمار آورده و یادآور شده که این مطلب در روایات نیز ذکر گردیده است (۱۳۹۰: ج ۱۰: ۳۱۷-۳۱۵).

کیفیت کشته شدن ناقة و نیز پی‌کننده آن از جمله موضوعات دیگری است که مفسران قرآن به آن پرداخته‌اند؛ انتساب این عمل به عموم مردم در آیه ۱۴ سوره شمس «فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا» موجب شده برخی مفسران از جمله ابن عطیه به همین تعبیر اکتفا کنند و با اشاره به رضایت قوم ثمود نسبت به این رفتار و همراهی آن‌ها در این گناه همه مردم را پی‌کننده ناقة بدانند؛ زیرا آن‌ها نیز شریک جرم به شمار می‌آیند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ج ۱۱: ۲۰۲، ج ۱۴: ۲۴، ج ۲۲: ۸۸؛ قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ج ۳: ۴۵۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۷: ۵۷؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ج ۳: ۱۸۵؛ فضل الله، ۱۴۳۹: ج ۹: ۲۵۴؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۳: ۱۰۴). با این وجود در برخی روایات نام پی‌کننده ناقة نیز مطرح شده؛ برای نمونه طبرسی پی‌کننده ناقة را فردی به نام «قدار بن سالف» که مردی احمر، اشقر، ازرق و زنازاده بوده می‌داند (۱۳۷۲: ج ۹: ۲۹۰) و علامه طباطبائی این دیدگاه را به روایتی از «کافی» مستند دانسته<sup>۶</sup> (۱۳۹۰: ج ۱۰: ۳۱۷-۳۱۵) و در روایات طبری<sup>۷</sup> نیز از وی نام برده شده است (۱۴۲۲: ج ۲۴: ۴۴۸). این درحالی است که ابن عطیه از «سالف ابو قدار» نام برده که با همراهی شخصی به نام «مصرع بن مهرج» به این کار اقدام کرد؛ زیرا به گفته برخی مفسران دو زن که از دشمنان صالح بودند، آن‌ها را به این کار تحریک کردند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۳: ۳۹۵؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ج ۲: ۴۲۰، ج ۳: ۱۸۵). قرطبی نیز ضمن روایتی طولانی آورده که پیامبر (ص) شخصی به نام «احیمیر ثمود» را پی‌کننده ناقة معرفی می‌کند (۱۳۶۴: ج ۴: ۱۹۲). البته ظاهراً «قدار بن سالف» و «احیمیر ثمود» که در این روایات به آن‌ها اشاره شده بر یک شخص دلالت دارند؛ زیرا مفسری مانند آلوسی در تفسیر آیه ۲۹ سوره قمر «صَاحِبَهُمْ» را به «قدار بن سالف احیمیر ثمود» که جسورترین فرد از قوم ثمود بود، تطبیق داده است (۱۴۱۵: ج ۱۴: ۸۹). این در حالی است که در برخی روایات از جمله روایت طبری، امتناع این فرد از کشتن و مشارکت باقی قوم در کشتن ناقة خبر مطرح شده است (۱۴۲۲: ج ۲۴: ۴۵۰). افزون بر این در سخنان طبرسی و برخی دیگر ویژگی‌های شخص پی‌کننده و

<sup>۶</sup>. این روایت همان روایتی است که پیش‌تر و در پاورقی صفحه ۸ سند آن ذکر و دلیل ضعف آن روشن گردید.

<sup>۷</sup>. این روایات مقطوع است و به افرادی مانند: قتاده، ابن عباس، حسن بصری، مجاهد و ضحاک می‌رسد.

کیفیت عمل او نیز دیده می‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۰: ۳۱۵-۳۱۷؛ قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ج ۳: ۴۵۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۷: ۵۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹: ۲۸۹-۲۹۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۴: ۸۹؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ج ۳: ۱۸۵، ج ۵: ۲۱۸)؛ اما از آنجایی که این مطالب ارتباطی به وجه اعجاز ناچه ندارد، در این نوشتار به آن‌ها پرداخته نشده است.

جدول ۲- ویژگی‌های ناچه در کلام مفسران

نام	A	B	C	D	E	F	G	H	I	J	K	L	M	N
التبیان	-	A2	-	C1/ C2	E1	F6	G2	H6	-	-	-	-	-	-
الکشاف	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	M3	-	-
الکبیر	-	-	-	-	-	-	-	-	I2	-	L1	M2/M3 M4/M5	-	-
أنوار التنزیل	-	-	-	-	-	F5	-	-	I2	-	-	M3	-	-
جامع الأحكام	-	A2	-	-	E8	F2/F6	-	H6	I1	-	-	M2/M3 M4	-	-
جوامع الجامع	-	A2	-	C2	D1	E3/E6	-	-	-	-	-	M4	-	-
روض الجنان	-	A2	-	-	-	-	G1	H3	I1	J2	-	M2/M/ M5	N1	-
مجمع البیان	-	A2	-	C1/C2	E7/E8	F2/F6	G1	H2/H6	I1	-	-	M2/M3	-	-
البحر المحيط	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	M3	-	-
روح المعانی	-	-	-	-	-	F5	-	H5	I2	-	-	-	-	-
التحریر و التنویر	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	M2/M3	-	-
الکاشف	A2	B2	C2	-	E5	-	-	-	-	-	L2	M3	-	-
المیزان	A1	-	-	-	-	F4	G1	H3	-	J1	L2	M2/M3	N3	-
نمونه	A2	-	-	-	E1	F4	-	-	-	J1	-	M1/M3	-	-
اطیب البیان	A2	-	C3/C4	-	E2/E4	F3/F4	G1/G2	H4	I1/I2	-	-	M2	N1	-
لکتاب الله المنیر	A1	-	C2	-	E1	-	G2	-	I2	J1	-	M2	-	-
أحسن الحدیث	-	B2	-	-	-	F2	G2	-	-	-	-	-	-	-
نور	-	-	-	-	F1	-	-	-	-	-	-	-	-	-
الأساس فی التفسیر	-	B1	-	-	-	-	G1	-	-	-	L2	M2	-	-
کوثر	-	-	-	-	-	-	-	-	I1	-	L1/L3	M3	N2	-
المحرر الوجیز	-	B1	C2	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
تفسیر القرآن العظیم	-	-	-	-	E1/E2	-	-	-	-	-	-	-	N1	-
الکشف و البیان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	M2	-	-

#### ۴. جمع‌بندی سخنان مفسران

مطالعه آثار تفسیری نشان می‌دهد، با وجودی که عموم مفسران ناچه صالح (ع) را معجزه دانسته‌اند؛ اما بدلیل فقدان بیان قرآنی مشخص و ناظر به بیان وجه اعجاز، از سوی مفسران قرآن دو روش

متفاوت به کار گرفته شده است. نخست اندکی از مفسران که از ورود به وجه اعجاز ناقه صالح خودداری نموده و به تبیین ظواهر آیات اکتفا کرده‌اند و دوم کسانی که به ذکر وجه اعجاز ناقه پرداخته‌اند. عملکرد گروه دوم در ذکر دیدگاه‌های یاد شده یکسان نیست. با بررسی تفصیلی سخنان ایشان می‌توان گفت در متون تفسیری در مجموع پنج نوع عملکرد متفاوت برای بیان بخش‌های مختلف این داستان دیده می‌شود که عبارت‌اند از: استناد به آیات قرآن، استناد به روایات، استناد به گزارش‌های تاریخی، ذکر دیدگاه دیگر مفسران و ذکر وجه اعجاز بدون اشاره به مستند خاص (اکتفا به ذکر وجه اعجاز).

جدول: ۳- خلاصه آراء و مستندات مفسران در بیان ویژگی‌های ناقه صالح

نام مفسر	ویژگی‌های ناقه در کلام مفسران	نحوه استنادات مفسران			
		آیات	روایات دیگر مفسران	کلام گزارشات تاریخی	بدون استناد
آلوسی	خوردن از آب چاه F5	*			
	یک روز آب برای ناقه و یک روز برای مردم G2	*			
	خوردن از آب چاه H5	*			
	شیر دادن در روز مشخص و به اندازه کفایت I2	*			
ابن عاشور	نامتعارف بودن پیدایش B2				*
	پیدایش غیر طبیعی از سنگ M2				*
	مقام والای ناقه M3				*
ابن عطیه	پیدایش از دل سنگ / از هیچ رحمی بوجود نیامده B1	*			
	ده ماهه باردار بودن ناقه C2				*
ابن کنیر	عظیم الجثه بودن ناقه E1	*			
	بزرگی ناقه به اندازه‌ای که چهارپایان قوم از آن فرار می‌کردند E2	*			
	ترسناک بودن و بزرگی ناقه N1				*
ابوالفتوح رازی	پیدایش از دل سنگ A2	*			
	نامتعارف بودن پیدایش B2	*			
	به دنیا آوردن بچه بدون گذشت مدت حمل و به صورت غیر تدریجی C4	*			
	خوردن از آب چشمه F4	*			
	یک روز آب برای ناقه و یک روز برای مردم G2	*			

			*	خوردن از آب چشمه H3	
*				شیر دادن در عوض آبی که می‌نوشیده I1	
			*	چرا کردن در ارض الله J1	
				تحت حمایت مستقیم خداوند بودن ناقه *	
*				K1 پیدایش غیر طبیعی از سنگ M2	
		*		C1 حامل بودن ناقه	
			*	بزرگی بیش از حد ناقه تا حدی که جز خدا فاصله دو پهلویش را نمیدانست E3	اندلسی
*				M3 مقام والای ناقه	
			*	C2 ده ماهه باردار بودن ناقه	
			*	شیر دادن در روز مشخص و به اندازه کفایت I2	بیضاوی
*				M3 مقام والای ناقه	
*				M2 پیدایش غیر طبیعی از سنگ	ثعلبی
			*	C1 حامل بودن ناقه	
			*	L1 آزمایش قوم ثمود	
*				هدایت مردم و ترساندن آنها از عاقبت کفر L3	جعفری
*				دشمنی اشراف قوم با حضرت صالح (ع) N2	
*				پیدایش از دل سنگ / از هیچ رحمی بوجود نیامده B1	حوی
			*	C2 ده ماهه باردار بودن ناقه	
*				M2 پیدایش غیر طبیعی از سنگ	
			*	C2 ده ماهه باردار بودن ناقه	
*				بزرگی بیش از حد ناقه تا حدی که جز خدا فاصله دو پهلویش را نمیدانست E3	زمخشری
*				M3 مقام والای ناقه	
			*	A1 پیدایش از دل کوه	
			*	C1 حامل بودن ناقه	
			*	F4 خوردن از آب چشمه	
			*	G1 یک روز در میان	طباطبائی
			*	H3 خوردن از آب نهر	
			*	J1 چرا کردن در ارض الله	
			*	L2 دلیل نبوت و آیت خدا	
*				M2 پیدایش غیر طبیعی از سنگ	

*					مقام والای ناقه M3	
			*		سه‌می‌بندی کردن آب قوم نمود N3	
*					پیدایش از دل سنگ A2	طبرسی (جامع الجامع)
			*		نامتعارف بودن پیدایش B2	
*					ده ماهه باردار بودن ناقه C2	
		*			به دنیا آوردن بچه بدون گذشت مدت حمل و به صورت غیر تدریجی C4	
*					بزرگی جثه بچه شتر D1	
*					بزرگی بیش از حد ناقه تا حدی که جز خدا فاصله دو پهلویش را نمیدانست E3	
*					کرک‌دار بودن ناقه E6	
*					تخصیص ناقه به خداوند M4	
		*		*	پیدایش از دل سنگ A2	طبرسی (مجمع البیان)
*					حامل بودن ناقه C1	
		*			زیبایی ناقه E7	
			*		قرمز بودن ناقه E8	
			*		خوردن از آب چشمه F4	
			*		خوردن از آب دره F6	
			*		یک روز آب برای ناقه و یک روز برای مردم G2	
*					خوردن از آب روستا H2	
			*		خوردن از آب دره H6	
			*		شیر دادن در عوض آبی که می‌نوشیده I1	
*			*		پیدایش از دل سنگ A2	طوسی
			*		حامل بودن ناقه C1	
			*		خوردن از آب دره F6	
			*		یک روز آب برای ناقه و یک روز برای مردم G2	
			*		خوردن از آب دره H6	
			*		شیر دادن در عوض آبی که می‌نوشیده I1	
			*		پیدایش از دل سنگ A2	طیب
*					نامتعارف بودن پیدایش B2	
*					باردار شدن ناقه بدون تماس با شتر نر C3	
			*		به دنیا آوردن بچه بدون گذشت مدت حمل و به صورت غیر تدریجی C4	

*				بزرگی ناقه به اندازه‌ای که چهارپایان قوم از آن فرار می‌کردند E2	
			*	بزرگی ناقه به حدی که شیر آن برای تمام قوم کفایت می‌کرد E4	
*				خوردن از آب نهر F3	
			*	خوردن از آب چشمه F4	
				یک روز آب برای ناقه و یک روز برای مردم G2	*
			*	خوردن از آب چشمه H3	
				خوردن از آب نهر H4	
*				شیر دادن در عوض آبی که می‌نوشیده I1	
*				شیر دادن در روز مشخص و به اندازه کفایت I2	
*				پیدایش غیر طبیعی از سنگ M2	
*				ترسناک بودن و بزرگی ناقه N1	
			*	پیدایش از دل سنگ / از هیچ رحمی بوجود نیامده B1	
			*	حامل بودن ناقه C1	
			*	یک روز در میان G1	
			*	شیردادن در روز مشخص و به اندازه کفایت I2	
			*	تحت حمایت مستقیم خداوند بودن ناقه K1	
			*	آزمایش قوم ثمود L1	
*				پیدایش غیر طبیعی از سنگ M2	
*				مقام والای ناقه M3	
*				تخصیص ناقه به خداوند M4	
			*	خوردن از آب شهر F1	قرائتی
			*	حامل بودن ناقه C1	
		*		به دنیا آوردن بچه بدون گذشت مدت حمل و به صورت غیر تدریجی C4	قرشی بنایی
		*		خوردن از آب روستا F2	
		*		یک روز در میان G1	
			*	پیدایش از دل سنگ A2	
			*	ده ماهه باردار بودن ناقه C2	قرطبی
			*	قرمز بودن ناقه E8	

*					خوردن از آب دره F6	
					یک روز آب برای ناقه و یک روز برای مردم *	G2
*					خوردن از آب دره H6	
*					شیر دادن در عوض آبی که می‌نوشیده I1	
			*		پیدایش غیر طبیعی از سنگ M2	
*					مقام والای ناقه M3	
*					تخصیص ناقه به خداوند M4	
*					پیدایش از دل کوه A1	کر می
			*		پیدایش از دل سنگ A2	
			*		نامتعارف بودن پیدایش B2	
			*		ده ماهه باردار بودن ناقه C2	
			*		خلق بدون عیب ناقه E5	مغنیه
			*		دلیل نبوت و آیت خدا L2	
			*		مقام والای ناقه M3	
*					داشتن ویژگی‌های عجیب M3/M1	مکارم شیرازی

## نتایج

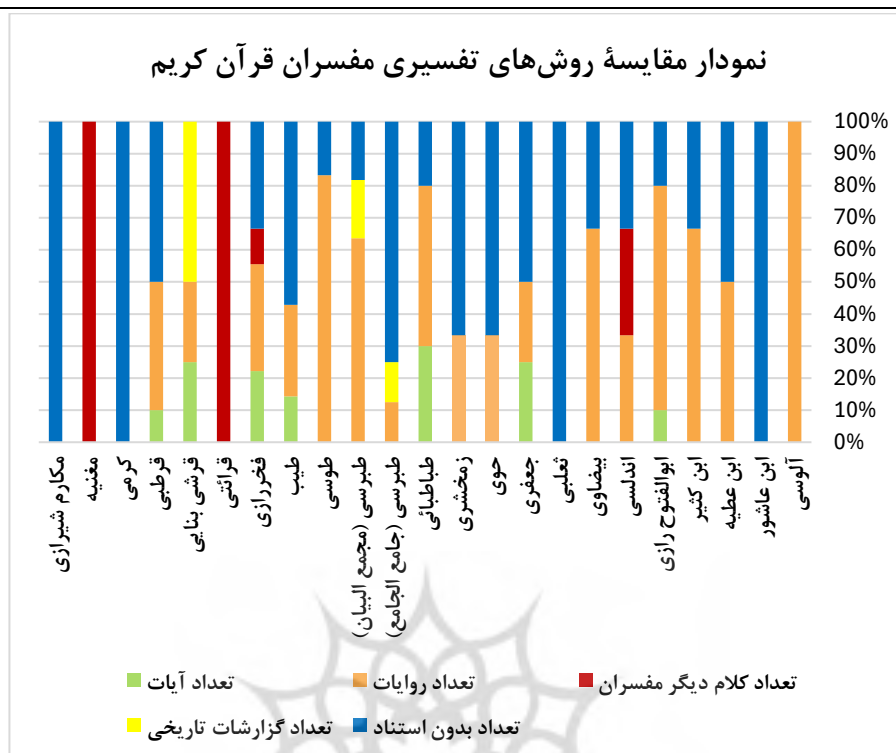
هرچند ویژگی‌های ناقه حضرت صالح (ع) در آیات قرآن به تفصیل مطرح نشده‌است؛ ولی صرف نظر از گروه اندکی از مفسران (مانند ماتریدی، فضل‌الله و صادقی تهرانی) که از پرداختن به این جزئیات پرهیز کرده‌اند، بیشتر مفسران به آن توجه نشان داده و به شکل گسترده و با تعبیری متنوع این جزئیات را مطرح ساخته‌اند. از این رو با وجودی که در آیات قرآن، ناقه حضرت صالح دارای ویژگی‌هایی چون بینه، ناقه الله، آیه، مورد حمایت مستقیم خداوند، پی‌شده توسط قوم ثمود، مبصره، دارای سهم آب مشخص و فتنه است؛ اما در تفاسیر جزئیات پدید آمدن، ویژگی‌ها و چرایی معجزه بودن ناقه نیز دیده می‌شود که البته در هر زمینه نیز غالباً تفاوت نگرش‌هایی وجود دارد و سخن مشترکی دیده نمی‌شود. بررسی کمی آراء مفسران درباره ویژگی‌های ناقه حضرت صالح، حاکی از تفاوت چشمگیر در تعداد ویژگی‌های ذکر شده در تفاسیر است. بر این اساس، طیب با اشاره به ۱۴ ویژگی، بیشترین تعداد را برشمرده‌است. در رتبه پس از او، طبرسی در مجمع البیان به ۱۱ ویژگی پرداخته‌است. ابوالفتوح رازی، علامه طباطبایی و قرطبی هر یک به ده ویژگی اشاره دارند. فخر رازی با نه ویژگی و طبری در جامع البیان با هشت ویژگی در جایگاه بعدی قرار می‌گیرند. مغنیه و شیخ طوسی از شش ویژگی یاد کرده‌اند. آلوسی، جعفری و قرشی بنایی هر کدام چهار ویژگی را مورد توجه قرار داده‌اند. گروهی از مفسران مانند

ابن عاشور، ابن کثیر، ابوحیان اندلسی، بیضاوی، حوی و زمخشری، به سه ویژگی اکتفا کرده‌اند. ابن عطیه دو ویژگی نام برده و در نهایت، ثعلبی، قرائتی، کرمی و مکارم شیرازی با ذکر یک ویژگی در مرتبه آخر قرار می‌گیرند.

بررسی تطبیقی روش‌های تفسیری حاکی از آن است که هر مفسر بدلیل رویکرد متمایز خود، در تفسیر آیات مربوط به ناقه نیز عملکرد متفاوتی را رقم زده‌است؛ به گونه‌ای که در میان تفاسیر بررسی شده برخی در همه موارد عملکرد یکسانی دارند؛ برای نمونه آلوسی به طور کامل از روایات استفاده کرده و ثعلبی، ابن عاشور، مکارم شیرازی و کرمی در هیچ موردی مستند خاصی ارائه نکرده‌اند و مغنیه و قرائتی هم به طور کامل وامدار سخنان دیگر مفسرانند؛ اما برخی مفسران در پرداختن به ویژگی‌های ناقه عملکرد یکسانی ندارند؛ ابن عطیه، جعفری، حوی، زمخشری، طبرسی (در جوامع الجامع)، طیب و قرطبی در ۵۰ درصد موارد یا بیشتر مستندی ذکر نکرده‌اند و در موارد اندکی به مستندات قرآنی، روایی یا ... روی آورده‌اند. ابن کثیر، ابوالفتوح رازی، بیضاوی، طباطبایی، طبرسی و شیخ طوسی ۵۰ درصد موارد یا بیشتر از روایات بهره برده‌اند. در این میان طبرسی، طباطبایی و قرشی به ترتیب ده، پانزده و ۵۰ درصد مطالب خود را به گزارش‌های تاریخی مستند نموده‌اند؛ همچنین ابوالفتوح، جعفری، طباطبایی، طیب، فخر رازی، قرشی و قرطبی از ظاهر آیات قرآن نیز استفاده کرده‌اند که علامه طباطبایی با ۳۰ درصد بیشترین استناد قرآنی را دارد. برخی مفسران مانند ابن عطیه نیز از روایات و آیات به یک میزان استفاده نموده‌است.

نکته قابل توجه درباره روایات موجود در کتب تفسیری این است که عمدتاً بصورت مقطوع نقل شده‌اند و تنها دو روایت در منابعی مانند «کافی» بصورت مستند نقل شده که این دو روایت هم بدلیل ضعیف بودن راویان از نظر سندی قابل پذیرش نیستند.

نمودار مقایسه روش‌های تفسیری مفسران قرآن کریم



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

**منابع**

قرآن کریم.

آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. دار الکتب العلمیه. منشورات محمد علی بیضون.

ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. مؤسسه تاریخ العربی.

ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۸۰ش). الرجال لابن الغضائری. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث. سازمان چاپ و نشر.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر). بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی التفسیر القرآن. آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

اسدی، علی (۱۳۹۸ش). کارکردشناسی تکرار قصه‌های قرآن با تأکید بر همبستگی آیات سوره‌ها در هدف (مطالعه موردی قصه قوم ثمود). پژوهش‌های قرآنی، ۲۴ (۳)

اندلسی، ابوحیان (۱۴۱۳ق). البحر المحیط فی التفسیر. دار الفکر.

بیضاوی، عبد الله بن عمر (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر بیضاوی). دار إحياء التراث العربی.

ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی. جعفری، یعقوب (۱۳۷۶ش). تفسیر کوثر. مؤسسه انتشارات هجرت.

حلی، حسین بن کمال الدین (۱۳۸۶ش). زبدة الأقوال فی خلاصة الرجال. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث. سازمان چاپ و نشر.

حوی، سعید (۱۴۲۴ق). الأساس فی التفسیر. دار السلام.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الكشف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. دار الکتب العربی.

شجاعی، زینب؛ طباطبائی امین، طاهره سادات (۱۳۹۶ش). داستان قوم ثمود در قرآن و یافته‌های جغرافیایی معاصر. مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی. ۲ (۳)، ۷۵-۹۷.

شریفی اقدم، محمود (۱۳۹۷ش). بررسی پیامبری حضرت صالح (ع) در قوم ثمود. فصلنامه فرهنگ زیارت، (۳۷)، ۵۱-۶۲.

شلتوت، محمود (۱۳۸۹). تفسیر قرآن کریم: ترجمه محمدرضا عطایی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). تفسیر جوامع الجامع. حوزه علمیه قم. مرکز مدیریت.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ناصر خسرو.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۲ق). جامع البیان عن تأویل آی القرآن. قاهره: دارالهجر.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی التفسیر القرآن. دار إحياء التراث العربی.

\_\_\_\_\_ (۱۴۲۷ق). رجال الطوسی. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي.

طیب، عبد الحسین (۱۳۶۹ش). اطيّب البیان فی تفسیر القرآن. اسلام.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). دار إحياء التراث العربی.

فضل الله، محمدحسین (۱۴۳۹ق). تفسیر من وحي القرآن. بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر و التوزيع.

قرائتی، محسن (۱۳۸۸ش). تفسیر نور. مرکز فرهنگي درس‌هایی از قرآن.

قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق). تفسیر احسن الحدیث. بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش). الجامع الأحکام القرآن. ناصر خسرو.

قطب، سید (۱۴۲۵). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق.

کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ق). اختیار معرفة الرجال. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.

کرمی، محمد (۱۴۰۲ق). التفسیر لکتاب الله المنیر. علمیه قم (چاپخانه).

کیانی، فاطمه؛ حاجی اسماعیلی، محمد رضا؛ پرچم، اعظم (۱۳۹۸ ش). کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان ناقه حضرت صالح (ع) و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی آیات قرآن. تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)، ۱۶ (۲)، ۱-۲۹. <https://doi.org/10.22051/tqh.2019.20981.2074>

ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ ق). تأویلات اهل السنه. بیروت: دارالکتب العلمیه.

مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ ق). التفسیر الکاشف. دار الکتب الإسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ ش). تفسیر نمونه. دار الکتب الإسلامیه.

نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ ش). رجال النجاشی. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية. مؤسسة النشر الإسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی